

پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی

سال سوم، شماره پیاپی ۸، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۳

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۰/۲۳ تاریخ پذیرش: ۹۳/۱/۳۰

صص ۱-۱۶

بررسی پدیده آنومی اجتماعی در بین شهروندان حاشیه‌نشین شهر تبریز

محمدباقر علیزاده‌اقدام، دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه تبریز*

سعید سلطانی بهرام، دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه تبریز

آرمان احمدی، دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه تبریز

چکیده

آنومی اجتماعی، معضلی اجتماعی است که در بسیاری از جوامع دیده می‌شود. در یک تأمل آسیب‌شناختی علل و عوامل متعددی در بروز آن نقش دارند، که متناسب با ویژگی‌ها و اوضاع مختلف جوامع، عوامل گوناگون سهم متفاوتی دارند. پژوهش حاضر با هدف بررسی میزان آنومی اجتماعی شهروندان حاشیه‌نشین شهر تبریز و عوامل مؤثر بر آن، با روش پیمایشی انجام گرفته است. جامعه آماری پژوهش، کلیه شهروندان مناطق حاشیه‌نشین شهر تبریز بوده، که از میان آنها، ۳۸۴ نفر با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای مطالعه شده‌اند. آزمون‌های آماری همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیونی، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان داد که رابطه معناداری بین متغیرهای دینداری، قانون‌گریزی اخلاقی، قانون‌گریزی ابزاری، سرمایه فرهنگی و سرمایه اقتصادی به عنوان متغیرهای مستقل و آنومی اجتماعی وجود دارد. همچنین، نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیره تحقیق نشان می‌دهد حدود ۳۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل پژوهش تبیین می‌شود.

واژه‌های کلیدی: آنومی اجتماعی، دینداری، قانون‌گریزی، سرمایه فرهنگی، حاشیه‌نشینان

مقدمه و بیان مسأله

امروزه یکی از مسائل اجتماعی که ذهن بسیاری از محققان علوم اجتماعی را به خود مشغول کرده است، معضل حاشیه‌نشینی و مشکلات و پیامدهای آن است. رشد بی‌رویه شهرها با ایجاد و افزایش نابرابری‌ها در بافت شهری، باعث سکونت در حاشیه شهرها و گسترش حاشیه‌نشینی و زاغه‌نشینی شده است. در مناطق حاشیه‌ای شهرها، حاشیه‌نشینان با مشکلات و مسائل مختلفی دست به گریبان هستند که وجود مشکلات متعدد، مناطق حاشیه‌نشین را مستعد ارتکاب مشکلاتی نظیر آسیب‌ها و اختلالات روانی کرده است. با توجه به این موضوع و رشد روزافزون حاشیه‌نشینی و امکان بروز مشکلاتی، مانند: جرم، بزهکاری و ... توجه و بررسی جدی مسائل حاشیه‌نشینان را ضروری می‌نماید. در این مقاله، مطالعه و بررسی مسأله آنومی، به عنوان یکی از مهمترین مشکلات حاشیه‌نشینان مورد توجه است.

آنومی^۱ وضعیتی اجتماعی است که خصیصه بارز آن، از هم پاشیدگی معیارهای حاکم بر روابط و تعاملات اجتماعی است. مفهوم آنومی، شکاف موجود میان تفسیر عمل اجتماعی در سطح فردی را با تفسیر آن در سطح ساختار اجتماعی با پیوند میان آنها پر می‌کند. تعبیر کلاسیک آن در جامعه‌شناسی توسط امیل دورکیم^۲ مطرح شده است (Abercrombie et al. 2006: 17). دورکیم، جامعه‌شناس فرانسوی، در دو کتاب خود، تقسیم‌کار در جامعه (۱۸۹۳) و سپس کتاب خودکشی (۱۸۹۷) این موضوع را بررسی می‌کند، به نظر دورکیم، آنومی در برگیرنده حالت یا صفتی است که در آن مجموعه‌ای از قواعد حاکم بر کارکردهای اجتماعی مفقود شده است. به نظر وی، علت اصلی وقوع حالت آنومیک سرعت شتابان صنعتی شدن است (کوزر و روزنبرگ، ۱۳۷۸). به نظر دورکیم، مردم فقط هنگامی می‌توانند سعادت‌مند شوند که خواسته‌هایشان با امکانات و وسایل نیل به آنها تناسب داشته باشد. بسیاری از

تفاسیر ارزشی قائل به چنین هماهنگی و تناسبی نیستند و وضعیت آنومیک هم برخاسته از عدم تناسب میان خواسته‌ها و اهداف و وسایل و راه‌های دستیابی به آنهاست (Abercrombie et al. 2006).

آنومی یا آشفتگی اجتماعی، یک وضعیت بی‌قاعدگی یا بی‌هنجاری است که در آن افراد قادر نیستند با قواعد مشترک ارتباط برقرار کنند و نیازهای خود را ارضا نمایند؛ در نتیجه، نظم اجتماعی و فرهنگی از هم فرو می‌پاشد (رفیع‌پور، ۱۳۷۸: ۱۳). از آنجا که جامعه انسانی بر اساس نظم اجتماعی و به واسطه هنجارهای اجتماعی اداره می‌شود، هنجارهای اجتماعی الگوها و شیوه‌های تعیین‌کننده رفتار در کنش متقابل میان انسان‌ها هستند که پیروی از آنها موجب تعادل و نظم در جامعه می‌گردد. چنانچه هنجارها قدرت تنظیم‌کنندگی خود را بر رفتار افراد از دست داده، افراد نسبت به هنجارهای موجود بی‌تفاوت شوند، جامعه دچار وضعیتی آنومیک می‌شود (رفیع‌پور، ۱۳۷۸: ۴۵). از این رو، در شرایط آنومی اجتماعی؛ عملاً انواع آسیب‌ها، حیات اجتماعی را تهدید می‌کند که به مختل شدن نظم اجتماعی منجر شده و در نتیجه افراد جامعه با هنجارهای اجتماعی که مبین نظم اجتماعی است، هم‌نوا نگردیده، مرتکب رفتارهای انحرافی و انواع قانون‌شکنی‌ها می‌شوند.

در شرایط آنومیک، به علت ضعف در حاکمیت هنجارها، تعارض میان آنها و حتی پدید آمدن عرصه‌هایی فاقد هنجارهای روشن، عدم التزام به قواعد اخلاقی و اجتماعی پدید می‌آید و الگوها به خوبی راهنمای رفتارهای اجتماعی نیستند؛ به عبارت دیگر، در این شرایط، اختلال، تعارض، ناپایداری هنجارها و در برخی از زمینه‌ها، بی‌هنجاری به وضوح قابل مشاهده است. در ضمن، گرایش به رفتارهای نابهنجار از مسائلی است که توسعه اجتماعی و اقتصادی و شکل‌گیری جامعه باثبات و دور از تنش و انحرافات را غیرممکن می‌سازد و هرگونه برنامه‌ریزی و پیشرفت اجتماعی و اقتصادی را با خطر مواجه می‌سازد (شیانی و محمدی، ۱۳۸۶: ۱۳۸۶).

¹ Anomie

² Emile Durkheim

(ربانی و همکاران، ۱۳۸۵). در این میان، تبریز نیز به عنوان یکی از کلانشهرهایی است که درگیر با مسأله حاشیه‌نشینی است و پیامد آن بروز انواع ناهنجاری‌های اجتماعی است. لذا با توجه به موارد مطرح شده، هدف اصلی این مقاله، بررسی عوامل مؤثر در ایجاد آنومی حاشیه‌نشینان شهر تبریز است.

درک اینکه چه عواملی در انگیزش رفتار هنجارشکنانه (آنومی اجتماعی) دخیل است و موجب تداوم آن می‌شود، بسیار ضروری است، تا بتوانیم در جهت تلاش برای کاهش این گونه رفتارها بکوشیم. با توجه به مطالب طرح شده، در تحقیق حاضر به بررسی میزان آنومی اجتماعی مناطق حاشیه‌نشین شهر تبریز پرداخته می‌شود. بنابراین، پرسش اصلی این پژوهش این است که کدام یک از عوامل موجب بروز رفتار هنجارشکنانه (آنومی اجتماعی) می‌شود.

پیشینه نظری پژوهش

واژه آنومی را به لحاظ مفهومی با توجه به عناصر تشکیل‌دهنده آن می‌توان درک کرد. در زبان یونانی «نوموس»^۱ به معنای قانون است که با پیشوند «آ» یا «بدون» معنای بی‌قانونی از آن مستفاد می‌شود. بنابراین، از نظر ریشه لغوی، آنومی فقدان قوانین یا هنجارها را می‌رساند. در برابر واژه آنومی، واژه «سینومی»^۲ قرار دارد که نشان‌دهنده جامعه یا وضعیت اجتماعی دارای آگاهی جمعی، درجه بالای همبستگی اجتماعی، شبکه اجتماعی قدرتمند و میزان بالای سرمایه اجتماعی است که به دلیل عواملی چون نظام خانواده گسترده قوی، هنجارهای فرهنگی، رفتارهای دینی، قواعد حقوقی منسجم و ... از وضعیت سینومی یا غیرآنومیک بهره‌مند شده است (شیانی و محمدی، ۱۳۸۶).

مفهوم آنومی برای اولین بار توسط جامعه‌شناسان برای توصیف تغییرات به وجود آمده در جوامع بر اثر انقلاب صنعتی به کار برده شد. فروپاشی جوامع سنتی و از

بنابراین، مطالعه گرایش به رفتارهای نابهنجار و عوامل مؤثر بر آن در میان حاشیه‌نشینان با توجه به وجود بسترهای لازم برای شرایط آنومیک و پیامدهای نامطلوب آن، از اهمیت زیادی برخوردار است.

در این مقاله، بروز مسأله آنومی در مناطق حاشیه‌ای در ارتباط با چند عامل مهم؛ دینداری، قانون‌گریزی اخلاقی، قانون‌گریزی ابزاری، سرمایه فرهنگی و سرمایه اقتصادی بررسی شده است. اکثر جامعه‌شناسان معتقدند که حاشیه‌نشینی در کلانشهرها، منشأ انواع انحرافات اجتماعی درون کلانشهرهاست و افرادی که در این محیط پرورش می‌یابند، در آینده از سطح فکری و فرهنگی کاملاً شهری برخوردار نیستند، زیرا در مناطق و محله‌هایی که عدم تعادل و برابری اجتماعی و فقر مطلق و مسائل بحرانزا حاکم باشد، نابسامانی و آسیب‌های اجتماعی نظیر آنومی اجتماعی هم به چشم می‌خورد (لهسایی‌زاده، ۱۳۹۱). بنابراین، شرایط زندگی در مناطق حاشیه‌نشین به صورتی است که سبب به وجود آمدن شرایط فرهنگی خاصی برای حاشیه‌نشینان می‌شود؛ به طوری که از یک سو فقر فرهنگی و از سوی دیگر، دیدن زندگی شهرنشینان که از امکانات امروزی بهره‌مندند، سبب ایجاد نارضایتی عمیق در میان این اقشار جامعه می‌شود. این امر می‌تواند به عنوان مقدمه‌ای بر پیدایش آشوب‌های اجتماعی عمل کند. لذا اعتقاد به پیشرفت و داشتن یک زندگی بهتر در میان حاشیه‌نشینان و مهاجران روستایی که برای کسب درآمد بیشتر به شهرها روی آورده‌اند، باعث می‌گردد گروه‌های مرجع آنها کسانی باشند که از وضعیت بهتری برخوردارند، اما چون اوضاع حاکم امکان دستیابی به چنین موقعیت‌هایی را برای همه فراهم نمی‌کند، زمینه نارضایتی اجتماعی را در آنها به وجود می‌آورد و به تدریج گروه مرجع در میان این گروه تغییر پیدا کرده، به سوی اهدافی که دستیابی به آنها ساده‌تر ولی نامشروع است، سوق پیدا می‌کنند و به تعبیر مرتون، تناسب میان ابزار و اهداف از بین می‌رود و این موضوع باعث ایجاد آنومی اجتماعی در میان این قشر از جامعه می‌گردد

^۱ Nomos

^۲ Synnomie

هم‌پاشیدگی هنجارها، ارزش‌ها و شیوه‌های عادی زندگی، دغدغه‌های اصلی فیلسوفان و جامعه‌شناسان قرن نوزدهم بود. از نظر جامعه‌شناسان، واژه آنومی با نام امیل دورکیم پیوند خورده است؛ اگر چه دیگران نیز به دفعات حتی در زمان خود دورکیم نیز این واژه را به کار برده‌اند (Borgetta & Montgomery, 2000: 201). دورکیم (۱۹۸۳) واژه فرانسوی آنومی (ناهنجاری) را برای توصیف از هم‌پاشیدگی‌های جوامع در حال گذار از زمینداری به صنعتی، مورد استفاده قرار داد. آنومی برای توصیف جوامع دارای ویژگی‌های نظام اجتماعی و نه فردی استفاده می‌شود.

برخی از متفکران بر این باورند که، آنومی به نادرستی در دنیای انگلیسی زبان به ناهنجاری ترجمه شده است. باید گفت که با توجه به متن فرانسه آثار دورکیم، تنها و تنها مترادف روشنی که دورکیم همیشه برای آنومی به کار برده، واژه *dérèglement* در کتاب خودکشی است. به نظر مسترویچ^۱، "ناهنجاری" و "عدم انتظام" ترجمه‌های نارسایی برای واژه آنومی هستند. البته، ترجمه این واژه به انگلیسی دشوار است، زیرا در زبان فرانسه حامل دلالت‌های فساد اخلاقی و رنج کشیدن است و شاید معادل درست آن در زبان انگلیسی واژه *derangement* (انحراف، اختلال، پریشانی، آشفتگی و جنون) باشد. آنومی به عنوان آشفتگی، بیانگر وضعیت پریشانی یا چیزی یکسان با گناه است. بنابراین، از نظر دورکیم آنومی معادل آشفتگی است و با بی‌هنجاری مورد نظر پارسونز و مرتن یکسان نیست (کوثری، ۱۳۸۲).

از نظر تالکوت پارسونز^۲ ناهنجاری حالتی است که در آن تعداد زیادی از افراد در مقیاس گسترده‌ای فاقد انسجام گروهی تعیین شده توسط الگوی نهادی و ثابت که لازمه بقای فردی و کارکرد مطلوب در نظام اجتماعی است، هستند. از آنجا که فقدان انسجام اجتماعی مانع از تحقق ثبات فردی می‌گردد، عدم ثباتی که از آن ناشی می‌شود به وجودآورنده نوعی پیشداوری روان بیمارانه‌ای از دیدگاه عده زیادی از

افراد است که در اندیشه کارکرد نظام اجتماعی هستند. می‌توان نتیجه گرفت که ناهنجاری موجب نوعی بی‌نظمی در سطح جمعی است که از طریق اختلال در کارکرد نظام اجتماعی متمایز می‌شود (محسنی، ۱۳۸۶: ۵۷).

از نظر رابرت مرتن^۳ مسأله ساخت هنجاری و تأکید بر آرزوها و امیال، از آن رو که هنجارها را مورد تأکید قرار داده، به خودگرایی یا به بی‌هنجاری می‌انجامد، دارای اهمیت است. مرتن کجرفتاری را عدم انطباق نرمال فرد با محیط اجتماعی در نظر می‌گیرد و قضیه کجروی را با ابعاد بیولوژیک یا فقدان کنترل اجتماعی در نظر نمی‌گیرد. وی در اثر خود در این زمینه، دو عنصر یا دو بعد اصلی را مطرح می‌سازد: در ساخت فرهنگی، اول اهداف تعریف شده فرهنگی را در نظر می‌گیرد و در وهله بعد ابزار نهادی شده رسیدن به آن را؛ یعنی شیوه‌های رسیدن به این اهداف که جامعه در اختیار فرد قرار می‌دهد (ممتاز، ۱۳۸۵: ۶۵ و محسنی، ۱۳۸۶: ۵۷). مرتن با بررسی در نظریات مختلفی که در زمینه بی‌هنجاری مطرح گردیده بود الگوی نظری خویش را در تجزیه و تحلیل انحرافات اجتماعی بر سه عامل زیر قرار می‌دهد:

۱. ضابطه‌های رفتار اجتماعی که شامل روش‌ها و وسایل مشروع و مورد تأیید جامعه برای دسترسی به اهداف فرهنگی است. به عبارت دیگر، جامعه با تعیین ملاک‌های رفتاری مشخص، نحوه دستیابی به اهداف فرهنگی را معین می‌کند.

۲. اهداف فرهنگی که شامل خواسته‌ها، آرزوها و امیالی است که افراد از طریق فرهنگ آن را آموخته‌اند.

۳. وسایل نهادی شده که بیانگر نحوه توزیع واقعی امکانات، وسایل و فرصت‌هایی برای دستیابی به اهداف فرهنگی است. به عبارتی دیگر، از طریق ابزار امکانات است که باید به اهداف دست یافت.

مرتن نتیجه می‌گیرد احساس فشار سرگشتگی و سرخوردگی فرد، صرفاً ناشی از هیچ کدام از عوامل فوق نیست، بلکه از روابط میان این عوامل ناشی می‌شود. ساخت

¹ Mestrovic

² Talcott Parsons

³ Robert Merton

تنها در حل پذیرش اهداف فرهنگی در وسایل نهادی شده است که فرد به همسازی می‌رسد و چهار شیوه دیگر گونه‌های از رفتارهای انحرافی هستند. نوآوران در تخلف (سارقان، رشوه‌خواران و ...) هدف‌های فرهنگی را می‌پذیرند، اما آن را نفی می‌کنند، مقررات‌گرایان (کارمندان) که فقط به مقررات نگاه می‌کنند) اهداف فرهنگی را نادیده می‌گیرند، گوشه‌گیران (معتادان، الکلی‌ها، ...) اهداف و وسایل هر دو را رها می‌کنند و بالاخره شورش کنندگان در صدد استقرار اهداف و وسایل نهادی دیگر هستند و در عین حال آنچه را هم که هست، نفی می‌کنند (محسنی، ۱۳۸۶: ۵۹).

دیوید متزا^۱ و گرشام سایکز^۲ دو تن از جامعه‌شناسان دهه ۶۰ میلادی کوشیدند کجرفتاری را با شیوه طبیعی مطالعه کنند که طی آن، همان چیز که در ذهن کنشگر (کجرفتار) روی می‌دهد، بررسی شده و همه انواع پیش‌داوری محققان در مورد کجرفتاری فراموش، و تنها به ذهن کنشگر مراجعه شود. متزا مدعی است که دیگر نظریه‌های کجرفتاری، ماهیت کنش انحرافی را تغییر داده، آن را طور دیگر وانمود می‌کنند. آنچه کجرفتاران در مورد انگیزه خود از کجرفتاری بیان می‌کنند، کاملاً متفاوت است. به نظر متزا کجرفتاری نوعی کاربرد نظر در عمل است؛ یعنی نظر و عمل در ذهن کنشگر، از طریق ساختن معناها با یکدیگر ارتباط پیدا می‌کنند (حکیم، ۱۳۸۹: ۵۰). سایکز و متزا از یک نظر مدعی‌اند که فرض نظریه‌های خرده فرهنگی مبنی بر مخالفت نظام‌های ارزشی کجرفتاران با نظام‌های ارزشی مورد قبول هم‌نوایان، درست نیست و از سوی دیگر، می‌گویند کجرفتاران از اینکه نابهنجاری کرده‌اند، آگاهی دارند و کار خود را درست نمی‌دانند و در بسیاری موارد احساس گناه کرده، پشیمان می‌شوند و بدون هیچ اجباری و به انتخاب خویش خود را به پلیس معرفی و به جرم خود اعتراف می‌کنند. بدین ترتیب، کجرفتاران نظام هنجاری متداول در جامعه را می‌پذیرند، ولی برای خنثی

فرهنگی جامعه افراد را در مقابل اهداف واحدی قرار می‌دهد و قواعدی را نیز برای رسیدن به این اهداف به عنوان قواعد مشروع تعیین می‌کند، اما از آنجایی که وسایل مشروع به طور یکسان در اختیار همه قرار ندارد، این امر موجبات بروز ناکامی و احساس سرخوردگی در میان افراد می‌شود و رفتارهای انحرافی بروز می‌کند. در حقیقت، ناکامی ناشی از شکاف میان هدف‌ها، ضابطه‌ها و امکانات سبب می‌شود که تعهدات اجتماعی فرد در قبال هدف‌ها یا وسایل نهادی شده سست شود و در شرایط «بی‌هنجاری» قرار گیرد، مرتن در پایان نتیجه می‌گیرد که در این شرایط پنج وضعیت متفاوت در مقابل فرد قرار می‌گیرد که با پذیرش یا عدم پذیرش اهداف و وسایل نهادی شده در رابطه است. اگر پذیرش را با علامت مثبت (+) و طرد را با علامت منفی (-) مشخص کنیم، جدول ترکیبی خاصی را خواهیم داشت (محسنی، ۱۳۸۶: ۵۹؛ ممتاز، ۱۳۸۵: ۶۹).

جدول ۱- طبقه‌بندی مرتن از انواع شیوه‌های تطابق فردی

شیوه انطباق	اهداف فرهنگی	وسایل نهادی شده
هم‌نوایی	+	+
نوآوری	+	-
مقررات‌گرایی	-	+
کناره‌گیری	-	-
عصبان و شورش	-/+	+/-

در جدول ۱ مرتن طبقه‌بندی انواع شیوه‌های تطابق فردی را ارائه می‌کند که، این پنج نوع انطباق پاسخی به شرایط اجتماعی است. بنابراین، ممکن است که از یک شکل به شکل دیگری روی آورند و نباید تصور کرد همیشه فرد در موقعیت ثابتی در هر یک از این اشکال قرار گیرد؛ یعنی هر یک از این طبقه‌بندی‌ها انطباق با شرایط خاص است که فرد تحت شرایط اجتماعی به آن پاسخ می‌دهد. بنا بر نظر مرتن، در هر جامعه‌ای انطباق در نوع اول؛ یعنی هم‌نوایی با اهداف فرهنگی و شیوه‌های دستیابی به آن، معمولی‌ترین نوع انطباق است و

¹ David Matza

² Gresham Sykes

کردن آثار ناشی از کجرفتاری خود می‌کوشند به هر نحو ممکن، اعمال خویش را توجیه کنند (صدیق سروستانی، ۱۳۸۷: ۶۴-۶۵؛ ممتاز، ۱۳۸۵: ۱۶۳). به نظر سایکز و متزا علت اینکه افراد با وجود آگاهی از نادرستی کجرفتاری و عدم مقبولیت اجتماعی باز هم مرتکب اعمال انحرافی می‌شوند، نسبت هنجارهای اجتماعی است که بر حسب مکان و زمان و سایر عوامل تغییرپذیرند و به همین جهت، کجرفتاران معمولاً می‌کوشند با انطباق وضعیت خود با شرایطی که می‌توان در آن به نحوی از زیر بار مجازات شانه خالی کرد یا تخفیف گرفت، به خنثی‌سازی آثار کجرفتاری خود در مقابل دیگران و به خصوص عوامل اجرای قانون پردازند. فنون خنثی‌سازی عبارتند از: ۱- انکار مسئولیت؛ منظور این است که شخص کجرفتار با استفاده از این روش و بدون اینکه وقوع جرم را منکر شود، مسئولیت آن را به گردن دیگران می‌اندازد و از خود سلب مسئولیت می‌کند. بدین ترتیب شخص کجرفتار با نسبت دادن مسئولیت انحراف خود به نیروهای اجتماعی، مثل: فقر، رفیق بد، همسایگان ناسالم، والدین وظیفه ناشناس و مبرا دانستن خود، نظام هنجاری مسلط جامعه را بدون آنکه مورد حمله مستقیم قرار دهد، زیر پا می‌گذارد؛ ۲- انکار آسیب: کجرفتار از این روش استفاده می‌کند تا نشان دهد رفتارهای او ولو خلاف قانون باشد، آسیبی به کسی وارد نمی‌آورد. بنابراین، همچنانکه ارتباط بین خود و رفتارش را با انکار مسئولیت خنثی می‌کند، از طریق انکار آسیب، ضرر و زبانی را نیز که به دیگران وارد کرده خنثی می‌سازد؛ ۳- انکار آسیب دیده؛ در این مورد، شخص کجرفتار اگر چه می‌پذیرد که کجرفتاری صورت گرفته و آسیب‌هایی هم به فرد یا افرادی وارد آمده، اما سعی می‌کند کجرفتاری خود را با اعلام اینکه آسیب دیده مستحق همان چیز بوده که بر او رفته، خنثی سازد. در این مورد کجرفتار کار نابهنجار خود را صرفاً انتقام‌جویی از یک زورگوی بی‌انصاف، دزدی از یک مغازه‌دار متقلب یا کم کردن شرک یک متجاوز دانسته، خود را بی‌گناه می‌پندارد؛ ۴- محکوم کردن عوامل کنترل اجتماعی؛

کجرفتاران غالباً اصرار دارند که پلیس و مقامات مسؤول کنترل اجتماعی را خلافکاران اصلی معرفی و با تأکید بر خشونت، زورگویی و فساد مقامات، کجرفتاری‌های خود را توجیه کنند؛ ۵- اعلام تبعیت از اصول والاتر و هنجارهای مهمتر: در این مورد کجرفتار، نه منکر اهمیت هنجارهای مقبول اجتماعی است، نه از آنها پیروی می‌کند، بلکه خود را پایبند هنجارهای مهمتر از قانون جاری جامعه می‌داند، هنجارهایی مانند آیین رفاقت و پایبندی به آن ولو به قیمت تخلف از قانون (صدیق سروستانی، ۱۳۸۷: ۶۵).

براساس دیدگاه جیمز کلمن، قانون‌گریزی را باید شکلی از رفتار نظام تلقی کرد (رضایی، ۱۳۸۴: ۵۰). در این صورت، تحلیل چنین رفتاری را می‌توان به شیوه کلمن تحلیل درون رفتاری سیستم نامید. در این شیوه تبیین رفتار نظام‌های اجتماعی مستلزم بررسی فرآیندهای درونی نظام است که اجزای تشکیل‌دهنده یا واحدهای آن در سطحی پایینتر از سطح نظام را در بر می‌گیرد (کلمن، ۱۳۷۷: ۱۵).

در مقابل کسانی که هنجارهای اجتماعی را نقطه آغاز مطالعه اجتماعی قرار می‌دهند، این رویکرد نگاهی انسان‌گرایانه دارد و فرد را نقطه آغاز تحلیل خود محسوب می‌کند. پیش فرض این شیوه تحلیل آن است که با شروع از سطح فردی امکان مداخلات اجتماعی بهبود اوضاع بیشتر می‌شود. چنین رویکردی به‌ویژه در مورد وضعیتی که داده‌های کافی در اختیار ندارد، کاربردی است و در نهایت، تبیین در سطح اجزای رفتار نظام‌ها را قابل مطالعه و پیش‌بینی‌پذیر ساخته، تحلیل نظام را پایدار می‌کند (کلمن، ۱۳۷۷). نظریه مبتنی بر تحلیل درونی نظام که رفتار نظام را براساس کنشگران توجیه می‌کند، از سه مؤلفه اساسی تشکیل می‌شود. این مؤلفه‌ها را کلمن در طرح نظریه خود با رابطه نوع ۱، ۲ و ۳ مشخص می‌کند. روابط نوع ۱ حرکت از سطح کلان به سطح خرد و نوع ۳ حرکت از خرد به کلان است. رابطه نوع ۲ مبتنی بر اصل کنش است که کنش‌های کنشگران را توصیف می‌کند (کلمن، ۱۳۷۷: ۲۸-۲۹).

بعد دوم بر اساس ساختار سرمایه‌شان؛ یعنی بر اساس وزن نسبی هر یک از انواع مختلف سرمایه، که به صورت جداگانه دارا هستند، توزیع می‌شوند. اینها منشأ تفاوت در سلاقی و از رهگذر آنها منشأ تفاوت در موضع‌گیری‌هاست (فعلی و ذوالفقاری، ۱۳۸۸).

به اعتقاد دورکیم، دین یک نظام یکپارچه اعمال و عقاید به چیزهای مقدس است (کوزر، ۱۳۷۳: ۱۹۷). دین یک پدیده سراسر جمعی و وسیله‌ای است که انسان‌ها را به یکدیگر پیوند می‌دهد. دین چیزی جز نیروی جمعی جامعه بر افراد نیست. دین نظام فکری است که افراد جامعه به وسیله آن خودشان را باز می‌نمایند و روابط مبهم و صمیمانه‌شان را با جامعه، از این طریق بیان می‌کنند (همپلتون، ۱۳۷۷: ۱۴۰). از نظر ماکس وبر، دین اساساً پاسخی به دشواری‌ها و بی‌عدالتی‌های زندگی است و می‌کوشد تا این ناکامی‌ها را توجیه کند و در نتیجه، انسان‌ها را به کنار آمدن با آنها قادر می‌سازد و در برابر این مشکلات به آنها اعتماد به نفس می‌بخشد. مفاهیم مذهبی بر اثر این واقعیت پدید می‌آیند که زندگی اساساً مخاطره‌آمیز و نامطمئن است. بی‌اطمینانی به این معناست که انسان‌ها برخی از چیزها را آرزو می‌کنند، ولی آرزوهایشان بر آورده نمی‌شود. تنش ناشی از این اختلاف، سرچشمه معناست. دین کوششی برای کنار آمدن با واقعیت‌های ناگوار است. از طریق آموزه‌های مذهبی چنین وانمود می‌شود که بی‌عدالتی‌های آشکار جهان، تنها ظاهری‌اند. به نظر وبر، در جوامع ابتدایی میل به بقا و برخورداری در این جهان مادی، بر انگیزاننده رفتار مذهبی است. بنابر نظر وبر ارتباط معکوس بین دینداری^۲ و آنومی اجتماعی در جامعه جدید هم می‌تواند معتبر باشد. در مجموع، رویکرد وبری در تبیین نقش دین در نظم اجتماعی دلالت مهمی در مورد کارکرد دین در ارتباط با نظم اجتماعی دارد (سراج‌زاده، ۱۳۸۷: ۷۵).

اما در تحقیق حاضر، منظور ما از آنومی، آنومی از دیدگاه مرتن است. آنومی از نظر مرتن حاصل اوضاعی است که در آن هنجارها به عنوان شیوه‌های جمعی حصول به موفقیت نمی‌توانند به خوبی عمل کنند. در نتیجه، شیوه‌های فردی برای حصول به موفقیت جایگزین می‌شوند. از نظر مرتن آنومی به فشاری گفته می‌شود که وقتی هنجارهای پذیرفته شده با واقعیت اجتماعی در ستیزند، بر رفتار افراد وارد می‌شود (گیدنز، ۱۳۸۴: ۱۵۹). مفهوم آنومی در نظریه مرتن حاصل شرایط نابسامانی ساختاری است؛ وضعیتی که در آن تناسبی بین آرمان‌ها و اهداف نهادی شده و وسایل نهادی شده جامعه (هنجارها) وجود ندارد. این وضعیت ساختاری کنشگران را به سوی قانون‌گریزی سوق می‌دهد. همان‌طور که در بحث مرتن گفته شد، افراد در شرایط نابسامانی ساختاری پاسخ‌های انطباقی متفاوتی نشان می‌دهند. سنخ‌شناسی پنجگانه مرتن از رفتارهای انحرافی بیان‌کننده نوع این پاسخ است. از بین پنج سنخ آنومی مرتنی، نوآوری و شورش بیش از همه با پدیده قانون‌گریزی همخوانی دارند (رضایی، ۱۳۸۴: ۵۵). نوآوری همان دور زدن هنجارهای موجود برای رسیدن به اهداف نهادی شده در جامعه است که ما از آن به نام قانون‌گریزی یاد می‌کنیم.

از عوامل دیگری که در ارتباط با آنومی بررسی شده است، سرمایه اقتصادی و فرهنگی است. از دیدگاه پیر بوردیو^۱، سرمایه اقتصادی و فرهنگی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بوردیو معتقد است «عاملان اجتماعی تا آنجا با یکدیگر دارای مشترکات‌اند که در این دستگاه دو بعدی (سرمایه اقتصادی - سرمایه فرهنگی) به یکدیگر نزدیک باشند و میزان تفاوت‌هایشان بستگی به این دارد که در این دستگاه چقدر از هم فاصله داشته باشند. فاصله فیزیکی میان جایگاه دو نقطه بر روی کاغذ، همسنگ فاصله اجتماعی دو کنشگری است که در آن دو نقطه نماد آنها بوده است. براساس میزان کل سرمایه‌ای که در شکل‌های متفاوت آن دارا هستند و در

^۲ Religiosity

^۱ Pierre Bourdieu

پیشینه تحقیق

حیدری و همکاران (۲۰۱۱) در پژوهشی با عنوان «اصلاح ارزیابی آنومی، وجود پژوهش‌های متعدد در مورد آنومی و سنجه‌های آن در سطح فردی»، آنومی را به عنوان یک سازه انتزاعی چند بعدی بررسی کردند. هدف مطالعه آنها، ارائه مقیاس چند بعدی احساس آنومی بود. بعد از مطالعه همه مقیاس‌ها در محدوده زمانی ۱۹۵۶ تا ۲۰۰۷، ۲۲ مورد انتخاب شده و پاسخ‌ها در قالب طیف لیکرت پنج گزینه‌ای تنظیم شده‌اند. پانصد دانشجوی دانشگاه از طریق روش نمونه‌گیری در دسترس برای تکمیل پرسشنامه طراحی شده انتخاب شدند. نتایج تحلیل عاملی اکتشافی نشان می‌دهد که سه خرده مقیاس بی‌معنایی و بی‌اعتمادی (۸ گویه)، بی‌قدرتی (۷ گویه) و بتواریگی شدن پول (۵ گویه) به دست آمدند. نتیجه‌گیری به دست آمده با پویش نظری آنومی همخوانی داشت (Heydari et al. 2011).

نادری و همکاران در پژوهشی با عنوان "سنجش چند بعدی احساس آنومی در بین جوانان" رابطه متغیر پابندی دینی را با انواع آنومی به روش پیمایشی - همبستگی در میان ۳۹۴ نفر از جوانان شهر اردبیل بررسی کرده‌اند. نتایج به دست آمده از آزمون ضریب همبستگی پیرسون، مؤید این مطلب است که بین دو متغیر پابندی دینی و آنومی رابطه خطی معناداری با شدت رابطه ۰/۳۲- درصد وجود دارد. نتایج به دست آمده در مورد ابعاد آنومی بیانگر این مطلب است که به غیر از آنومی اقتصادی، بین سایر ابعاد آنومی (اجتماعی، سیاسی و فرهنگی) و پابندی دینی رابطه خطی معناداری وجود دارد (نادری و همکاران، ۱۳۹۰).

سراج‌زاده و پویافر (۱۳۸۷) ضمن استفاده از تبیین کارکردی، نقش دین را در کاهش کجروی و بزهکاری در میان دانشجویان خوابگاهی دانشگاه سمنان با رویکرد پیمایشی بررسی کردند. بر اساس نتایج به دست آمده، هر دو متغیر احساس آنومی و کجروی با دینداری کل، رابطه معکوس معناداری دارند. همچنین، دینداری از طریق کاهش احساس

آنومی در افراد نیز در کاهش بروز کجروی تأثیر دارد (سراج‌زاده و پویافر، ۱۳۸۷).

میزان، نوع و عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی، پژوهشی است که رضایی، ضمن به کارگیری روش پیمایشی در میان ۸۰۷ نفر از کارمندان شاغل در ساختمان‌های اصلی وزارتخانه‌ها به انجام رسانده است. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه و به شیوه نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای به دست آمده است. نتایج این پژوهش نشان داد که، شاخص کلی قانون‌گریزی که خود از سه شاخص قانون‌گریزی اخلاقی، قانون‌گریزی اعتراضی و قانون‌گریزی ابزاری ساخته شده، بیشترین رابطه را با احساس آنومی و میزان رواج زور در جامعه نشان می‌دهد (رضایی، ۱۳۸۴).

"رابطه جنسیت و برخی متغیرهای جمعیت‌شناختی با احساس آنومی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز" عنوان پژوهشی است که در بین ۳۸۵ نفر از دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز با روش پیمایشی انجام گرفته است. یافته‌های پژوهش حکایت از آن دارد که میزان احساس آنومی در بین دانشجویان مورد بررسی در حد متوسط به بالاست. همچنین، بین دانشجویان متعلق به پایگاه‌های اقتصادی - اجتماعی مختلف از نظر میزان احساس آنومی اجتماعی تفاوت معنی‌داری وجود دارد. احساس آنومی اجتماعی در بین دانشجویان متعلق به پایگاه اقتصادی - اجتماعی بالا، بیشتر از پایگاه اقتصادی و اجتماعی متوسط و پایین است (باقری زنوز و علمی، ۱۳۸۹).

حاتم و همکاران در پژوهشی با عنوان "رابطه بین سرمایه اجتماعی و احساس آنومی در زنان شاغل در بیمارستان" رابطه درآمد و تحصیلات با آنومی اجتماعی را با روش توصیفی - تحلیلی در میان ۲۲۴ نفر از زنان شاغل در بیمارستان شهر شیراز بررسی کردند. نتایج به دست آمده نشان داد که بین سطح تحصیلات و احساس آنومی زنان شاغل، تفاوت معنی‌داری وجود داشت ($p=0/007$) و با افزایش سطح تحصیلات در این بیمارستان‌ها، احساس آنومی نیز افزایش

وجود دارد.

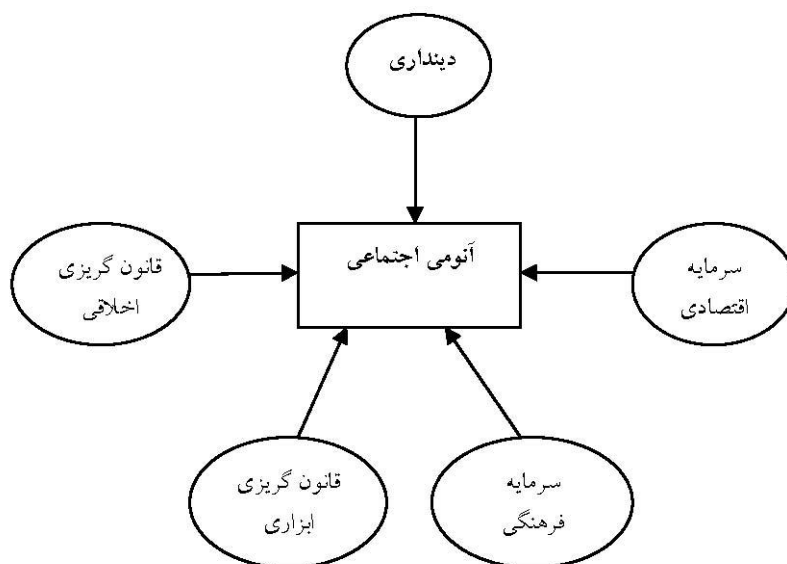
مدل تحلیلی تحقیق

در تحقیق حاضر، مدل تحلیلی بیشتر متأثر از نظریه مرتن است. از نظر مرتن، آنومی حاصل شرایط نابسامانی ساختاری است که در نهایت افراد را به سوی قانون‌گریزی سوق می‌دهد. از دیدگاه کلمن، نیز قانون‌گریزی پیامد رفتار نظام تلقی می‌شود. متغیر دینداری نیز به تبعیت از نظریه وبر در این تحقیق گنجانده شده است. به زعم وبر، دین ابزاری برای توجیه ناکامی‌ها و بی‌عدالتی‌های زندگی است. همچنین، از عوامل تأثیرگذاری که می‌تواند در ارتباط با مسأله آنومی اجتماعی تعیین‌کننده باشد، دو متغیر سرمایه فرهنگی و اقتصادی است که در این تحقیق به این دو متغیر نیز اشاره شده است. شکل (۱) مدل تحلیلی تحقیق را در ارتباط با متغیرهای مرتبط با آنومی اجتماعی نشان می‌دهد.

می‌یافت. همچنین، اطلاعات به دست آمده از پژوهش حاکی از آن است که بین سطح درآمد ماهیانه و احساس آنومی زنان شاغل در بیمارستان آموزشی چمران و بیمارستان غیرآموزشی رجایی تفاوت معنی‌داری وجود داشت ($p=0/003$) و با افزایش سطح درآمد ماهیانه کارکنان این دو بیمارستان، احساس آنومی آنان افزایش می‌یافت (حاتم و همکاران، ۱۳۹۱).

فرضیه‌های تحقیق

- بین دینداری و آنومی اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.
- بین قانون‌گریزی اخلاقی و آنومی اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.
- بین قانون‌گریزی ابزاری و آنومی اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.
- بین سرمایه فرهنگی و آنومی اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.
- بین سرمایه اقتصادی و آنومی اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.



شکل ۱- مدل تحلیلی تحقیق براساس چارچوب نظری و پیشینه تحقیق

روش‌شناسی

تحقیق حاضر به جهت نوع آن، پیمایشی بوده که می‌توان آن را جزو تحقیقات پهنانگر به حساب آورد. همچنین، بر اساس معیار زمانی مقطعی است؛ چرا که تحقیق حاضر در سال ۱۳۹۲ اجرا شده است. برای گردآوری داده‌ها، از پرسشنامه به صورت بسته پاسخ (در قالب طیف لیکرت) و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS استفاده شده است.

جامعه آماری این تحقیق، شهروندان مناطق حاشیه‌نشین شهر تبریز هستند. حاشیه‌نشینان کلانشهر تبریز به این منظور در این تحقیق مطالعه شده‌اند که تبریز به عنوان پنجمین کلانشهر کشور مطرح بوده، که عدم توازن در توسعه شهری آن باعث ایجاد حاشیه‌نشینی و بروز مشکلات زیادی همراه با آسیب‌های اجتماعی گردیده است. امروزه حاشیه‌نشینی در اطراف شهرهای بزرگ به عنوان چالش و معضل اساسی یاد می‌شود و تبریز نیز از این قضیه مستثنا نبوده، توسعه نامتوازن را تجربه می‌کند. وقتی این توسعه شهری نامتوازن باشد، معضلاتی همچون حاشیه‌نشینی و آلودگی ناشینی را در پی خواهد داشت.

با توجه به گسترده بودن جامعه آماری مورد نظر، مناسبترین روش نمونه‌گیری برای این تحقیق، نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای است. برای استفاده از این شیوه، با در نظر گرفتن این نکته که شهر تبریز، به لحاظ کاربری شامل ۱۰ منطقه است، از این ۱۰ منطقه، ۳ منطقه از روی نقشه به صورت کاملاً تصادفی انتخاب و سپس در هریک از مناطق بلوک‌هایی به طور تصادفی برگزیده شدند و در نهایت، افراد نمونه آماری به صورت تصادفی ساده انتخاب شدند. برای تعیین حجم نمونه، با توجه به عدم اطلاع دقیق از جمعیت مناطق حاشیه‌نشین از فرمول کوکران ذیل استفاده شده است:

$$n = \frac{Z^2 p q}{d^2}$$

حجم نمونه $n =$

ضریب اطمینان ۹۵ درصد برابر است با: $Z = 1/96$

احتمال وجود صفت معین در نمونه برابر است با: $p = 0/5$

احتمال عدم وجود صفت معینی در نمونه برابر است با: $q = 0/5$
دقت احتمالی مطلوب یا نصف فاصله اطمینان برابر است با:

$$d = 0/05$$

$$N = \frac{3.8416 \times 0.5 \times 0.5}{0.0025} = 384$$

با توجه به محاسبات فرمول کوکران تعداد نمونه ۳۸۴ نفر است.

تعاریف مفهومی و عملیاتی

آنومی اجتماعی: از نظر مرتن آنومی به فشاری گفته می‌شود که وقتی هنجارهای پذیرفته شده با واقعیت اجتماعی در ستیزند، بر رفتار افراد وارد می‌شود (گیدنز، ۱۳۸۴: ۱۵۹). همچنین، نابسامانی ساختاری (آنومی) به شرایطی گفته می‌شود که در آن هنجارها به عنوان شیوه‌های جمعی حصول به هدف (موفقیت) نمی‌توانند به خوبی عمل کنند؛ در نتیجه، شیوه‌های فردی حصول به موفقیت جایگزین می‌شوند (رضایی، ۱۳۸۴: ۵۲). در پژوهش حاضر (بی‌ثباتی، رشوه دادن، بی‌نظمی، قول دادن، کار کردن در جامعه و ...) معرف‌های آنومی اجتماعی هستند.

دینداری: دینداری به معنای داشتن حساسیت سنتی به رفتارهای دینی و رعایت موازین دینی در اعمال زندگی روزانه است (احمدی، ۱۳۸۶: ۴۳). برای سنجش این متغیر از معرف‌های (قرائت کتاب آسمانی، شرکت در نماز جماعت، مراسم مذهبی، مسلمان بودن، احساس توبه، احساس ترس از خدا و ...) استفاده شده است.

قانون‌گریزی اخلاقی: قانون‌گریزی اخلاقی، اشاره به وضعیتی است که در آن شخص به قوانین گردن نمی‌نهد، چون با ارزش‌های اخلاقی و درونی وی همخوانی ندارد. در این نوع قانون‌گریزی شخص صرفاً بر اساس آنچه خود درست می‌پندارد، عمل می‌کند. در چنین حالتی، عمل قانون‌گریزی فقط از نظر عمل قانون‌گریزی محسوب می‌شود و از نظر خود کنشگر بسیاری از کنش‌های مبتنی بر تعلقات فامیلی

پایایی سؤال‌های پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ^۳ استفاده شد. نتایج تحلیل پایایی سنج‌های پرسشنامه در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲- نتایج ضریب آلفای کرونباخ متغیرهای وابسته و مستقل

متغیرها	تعداد	ضریب آلفای
	گویه	کرونباخ
آنومی اجتماعی	۱۰	۰/۶۹
دین داری	۱۵	۰/۸۲
قانون‌گریزی اخلاقی	۵	۰/۷۱
قانون‌گریزی ابزاری	۶	۰/۶۱
سرمایه فرهنگی	۷	۰/۶۸
سرمایه اقتصادی	۴	۰/۸۰

یافته‌های تحقیق

بر اساس یافته‌های توصیفی این پژوهش، ۶۳/۳ درصد از پاسخگویان مرد و ۳۶/۷ درصد زن هستند. کمترین سن پاسخگویان ۱۸ سال و بزرگترین آنها ۵۲ سال دارد و میانگین سنی نمونه مورد تحقیق ۳۰/۰۴ سال است. ۷۱/۶ درصد پاسخگویان متأهل و ۲۸/۴ درصد آنان مجرد بودند. همچنین، ۴۰/۶ درصد پاسخگویان، شاغل بخش غیردولتی، ۲۲/۷ درصد خانه‌دار، ۱۴/۶ درصد دانشجو، ۱۲/۸ درصد شاغل بخش دولتی، ۷/۸ درصد بیکار و ۱/۶ درصد بازنشسته بودند. به لحاظ سطح تحصیلات، در سطح ابتدایی ۴/۷ درصد، در سطح راهنمایی ۱۶/۹ درصد، در سطح دبیرستان که بیشتر پاسخگویان در این سطح قرار گرفته‌اند، ۴۳/۲ درصد، در سطح کاردانی ۱۵/۱ درصد، در سطح کارشناسی ۱۷/۲ درصد و در سطح کارشناسی ارشد ۲/۹ درصد پاسخگویان قرار دارند.

برای سنجش متغیر آنومی اجتماعی در بین پاسخگویان، از ۱۰ گویه پنج گزینه‌ای در سطح رتبه‌ای استفاده شده است، نمره ۱۰ نشان‌دهنده پایین‌ترین سطح آنومی اجتماعی و نمره ۵۰ نشان‌دهنده بالاترین سطح آنومی اجتماعی شهروندان مورد

و ارزش‌های خانوادگی در این دسته قرار می‌گیرد (رضایی، ۱۳۸۴: ۶۵). برای سنجش این متغیر از معرف‌های (اطاعت از قانون، ناسازگاری با ارزش‌ها، پارتی بازی و ...) استفاده شده است.

قانون‌گریزی ابزاری: در قانون‌گریزی ابزاری کنشگر به محاسبه سود و زیان ناشی از عدم اطاعت می‌پردازد و از این نکته آگاه می‌شود که کنش غیر قانونی در مجموع سود بیشتری برای او دارد. این نوع کنش دقیقاً آگاهانه است (رضایی، ۱۳۸۴: ۵۳). برای سنجش این متغیر از معرف‌های (عوامل غیرقانونی مثل قاچاق کالا، عدم پیروی از قانون و ...) استفاده شده است.

سرمایه فرهنگی: سرمایه فرهنگی، در برگیرنده تمایلات پایدار فرد است که در خلال اجتماعی شدن در وی انباشته می‌شوند. سرمایه فرهنگی یا مهارت‌های بین شخصی و غیر رسمی، شامل عادت‌ها، روش‌ها، شبکه ساخت زیان، مدارک تحصیلی، سلیق و غیره می‌شود (احمدی، ۱۳۸۶: ۴۴). در این پژوهش (مطالعه روزنامه، رفتن به موزه، شرکت در سخنرانی‌ها، علاقه به موسیقی و ...) معرف سرمایه فرهنگی هستند.

سرمایه اقتصادی: بورديو سرمایه اقتصادی را با عنوان (درآمد و بقیه انواع منابع مالی‌ای که در قالب مالکیت جلوه نهادی پیدا می‌کند) نام می‌برد (فاضلی، ۱۳۸۲: ۱۰۱). در این تحقیق، برای سنجش سرمایه اقتصادی از میزان درآمد ماهانه، ارزش منزل مسکونی، قیمت اتومبیل، ارزش زمین یا ملک شخصی استفاده شده است.

اعتبار^۱ و پایایی^۲ ابزار تحقیق

در این پژوهش اعتبار سؤال‌های مربوط به آنومی اجتماعی را از طریق اعتبار صوری برآورد گردید؛ به گونه‌ای که پس از تهیه سؤال‌ها آنها را در اختیار چند متخصص قرار داده و پرسشنامه از نظر آنها تأیید شده است. همچنین، برای تعیین

^۱ Validity

^۲ Reliability

^۳ Cronbach's Alpha

است. بر اساس آماره‌های توصیفی می‌توان گفت که احساس آنومی اجتماعی در بین پاسخگویان در حد متوسط به پایین است.

مطالعه است. با توجه به نتایج نشان داده شده در جدول ۳، میانگین شاخص ۲۳/۲۲ بوده که انحراف معیار آن ۵/۹۸ و واریانس آن ۳۵/۸۳ بوده است. مقدار شاخص کشیدگی ۰/۳۶۵ نشان‌دهنده واریانس کم بوده و چولگی نیز مثبت

جدول ۳- آماره‌های توصیفی متغیر آنومی اجتماعی

متغیر	دامنه تغییرات	مینیم	ماکسیم	میانگین	انحراف معیار	واریانس	چولگی	مقدار متوسط
آنومی اجتماعی	۲۹	۱۲	۴۱	۲۳/۲۲	۵/۹۸	۳۵/۸۳	۰/۷۶۹	۲۶/۵



جدول ۴- آماره پراکندگی مربوط به متغیرهای اصلی تحقیق

متغیر	دامنه تغییرات	مینیم	ماکزیم	میانگین	انحراف معیار	واریانس	چولگی	مقدار متوسط
دینداری	۳۶	۱۵	۵۱	۳۴/۵۰	۷/۲۲	۵۲/۲۰	۰/۰۲۶	۳۳
سرمایه فرهنگی	۲۹	۱۱	۴۰	۲۸/۰۹	۵/۲۱	۲۷/۱۷	-۰/۳۰	۲۵/۵
سرمایه اقتصادی	۲۰	۴	۲۰	۸/۷۱	۴/۸۵	۲۳/۵۶	۱/۵۴	۱۲
قانون‌گریزی اخلاقی	۱۳	۴	۱۷	۱۰/۳۵	۲/۵۴	۶/۴۶	۰/۵۳۷	۱۰/۳۱
قانون‌گریزی ابزاری	۱۷	۶	۲۳	۱۵/۹۱	۳/۲۲	۱۰/۳۸	۰/۰۷۲	۱۱/۵

اقتصادی با چهار گویه در مقیاس رتبه‌ای شش گزینه‌ای اندازه‌گیری شده، که نمره ۴ نشان‌دهنده کمترین سرمایه اقتصادی و نمره ۲۴ نشان‌دهنده بالاترین میزان سرمایه اقتصادی شهروندان مورد مطالعه است. مقدار میانگین ۸/۷۱ و میزان چولگی ۱/۵۴ است که می‌توان گفت سرمایه اقتصادی پاسخگویان متوسط به پایین است. متغیر مستقل قانون‌گریزی اخلاقی با پنج گویه در مقیاس رتبه‌ای پنج گزینه‌ای اندازه‌گیری شده، که نمره ۵ نشان‌دهنده کمترین میزان قانون‌گریزی اخلاقی و نمره ۲۵ نشان‌دهنده بیشترین میزان قانون‌گریزی اخلاقی شهروندان مورد مطالعه است، که میانگین قانون‌گریزی اخلاقی ۱۰/۳۵ و میزان چولگی آن ۰/۵۳۷ شده و می‌توان گفت میزان قانون‌گریزی اخلاقی متوسط به پایین است. همچنین، متغیر مستقل قانون‌گریزی ابزاری با استفاده

بر اساس آماره‌های توصیفی متغیر مستقل دینداری با استفاده از ۱۵ گویه در مقیاس رتبه‌ای پنج گزینه‌ای اندازه‌گیری شده، که نمره ۱۵ نشان‌دهنده پایین‌ترین سطح دینداری، و نمره ۷۵ نشان‌دهنده بالاترین سطح دینداری شهروندان مورد مطالعه است. در این پژوهش، میانگین دینداری ۳۴/۵ و میزان چولگی ۰/۰۲۶ بوده، که می‌توان گفت میزان دینداری در میان پاسخگویان متوسط رو به بالاست. متغیر مستقل سرمایه فرهنگی با هفت گویه در مقیاس رتبه‌ای پنج گزینه‌ای اندازه‌گیری شده، که نمره ۷ نشان‌دهنده کمترین سرمایه فرهنگی و نمره ۳۵ نشان‌دهنده بالاترین سطح سرمایه فرهنگی شهروندان مورد مطالعه است. میانگین سرمایه فرهنگی ۲۸/۰۹ و میزان چولگی ۰/۳۰- به دست آمده، که می‌توان گفت سرمایه فرهنگی نسبتاً متوسط به بالاست. متغیر مستقل سرمایه

برعکس، افرادی که میزان دینداری و سرمایه فرهنگی پایینی داشتند، میزان آنومی اجتماعی بالاتری را تجربه می‌کردند. متغیرهای قانون‌گریزی اخلاقی و قانون‌گریزی ابزاری و سرمایه اقتصادی دارای همبستگی مثبت و مستقیم با آنومی اجتماعی بودند؛ یعنی هرچه میزان قانون‌گریزی اخلاقی و ابزاری و سرمایه اقتصادی در میان پاسخگویان بیشتر بوده، به همان نسبت نیز میزان آنومی اجتماعی در آنها نیز بالاتر بود؛ به خصوص متغیر قانون‌گریزی ابزاری که دارای بیشترین رابطه مثبت (۰/۴۳) با متغیر آنومی اجتماعی بود؛ یعنی افرادی که بیشتر از اطاعت قانون سر باز می‌زنند، این افراد به نوعی میزان آنومی اجتماعی بیشتری دارند. همچنین، ارتباط مستقیم و معنی‌دار متغیر سرمایه اقتصادی و آنومی اجتماعی نیز بر همین مطلب تأکید می‌کند که هرچه سرمایه اقتصادی در افراد بیشتر باشد، به همان اندازه نیز آنومی اجتماعی بیشتر می‌شود. به عبارتی، میزان آنومی در بین افراد حائز سرمایه اقتصادی بیشتر، بالاتر است.

از شش گویه در مقیاس رتبه‌ای پنج‌گزینه‌ای اندازه‌گیری شده که نمره ۶ نشان‌دهنده کمترین میزان قانون‌گریزی ابزاری و نمره ۳۰ نشان‌دهنده بیشترین میزان قانون‌گریزی شهروندان مورد مطالعه است. میانگین قانون‌گریزی ابزاری ۱۵/۹۱ و میزان چولگی ۰/۰۷۲ به دست آمده و می‌توان گفت میزان قانون‌گریزی ابزاری متوسط به بالاست.

برای آزمون رابطه بین متغیرهای مستقل و آنومی اجتماعی از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که (نک. جدول ۵) پنج متغیر دینداری، قانون‌گریزی اخلاقی، قانون‌گریزی ابزاری، سرمایه فرهنگی و سرمایه اقتصادی، در سطح احتمال ۹۹ درصد همبستگی معنی‌داری با آنومی اجتماعی دارند، لیکن متغیرهای دینداری و سرمایه فرهنگی با آنومی اجتماعی همبستگی معکوس یا منفی داشتند؛ یعنی هرچه میزان احساس دینداری و سرمایه فرهنگی بین افراد مورد مطالعه بالا باشد، به همان اندازه از میزان آنومی اجتماعی کاسته می‌شود و

جدول ۵ - نتایج آزمون همبستگی بین متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق

آنومی اجتماعی		متغیر وابسته
ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنی‌داری	متغیرهای مستقل
-۰/۲۳۱	۰/۰۰۰	دینداری
۰/۲۰۵	۰/۰۰۰	قانون‌گریزی اخلاقی
۰/۴۳۰	۰/۰۰۰	قانون‌گریزی ابزاری
-۰/۱۶۲	۰/۰۰۱	سرمایه فرهنگی
۰/۲۹۹	۰/۰۰۰	سرمایه اقتصادی

تبیین تصحیح شده حکایت از آن دارد که ۳۲/۸ درصد تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیرهای مستقل (پنج متغیر دینداری، قانون‌گریزی اخلاقی، قانون‌گریزی ابزاری، سرمایه فرهنگی، سرمایه اقتصادی) تبیین شده است.

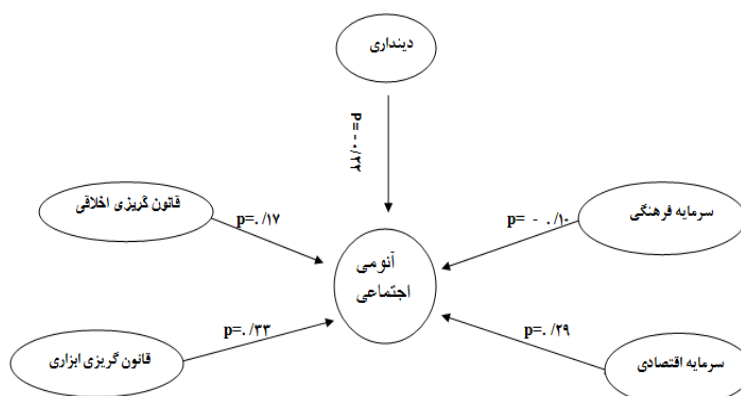
تحلیل چندمتغیره رگرسیونی بر اساس نتایج حاصل از روش رگرسیون همزمان^۱، متغیر وابسته (آنومی اجتماعی) بیشتر متأثر از متغیر قانون‌گریزی ابزاری است. به عبارتی، در ایجاد آنومی اجتماعی متغیر مذکور بالاترین تأثیر و متغیر دینداری کمترین تأثیر را داشته است. جدول تحلیل رگرسیون چندمتغیره نشان می‌دهد که تأثیر متغیرهای مستقل بر وابسته، معنی‌دار بوده است و ضریب

^۱ Enter

جدول ۶- آماره های تحلیل رگرسیون چند متغیره آنومی اجتماعی

متغیر	بتا	T	سطح معنی داری	ضریب همبستگی چند گانه	۰/۵۸۰
دینداری	-۰/۲۲۶	-۵/۰۷۸	۰/۰۰۰	ضریب تبیین	۰/۳۳۷
قانون گریزی ابزاری	۰/۳۳۲	۷/۶۰۲	۰/۰۰۰	ضریب تبیین تصحیح شده	۰/۳۲۸
قانون گریزی اخلاقی	۰/۱۷۰	۳/۹۳۳	۰/۰۰۰	کمیت دوربین واتسون	۱/۸۹
سرمایه فرهنگی	-۰/۱۰۹	-۲/۵۵۹	۰/۰۱۱	آنالیز واریانس	۳۸/۲۷
سرمایه اقتصادی	۰/۲۹۷	۶/۹۴	۰/۰۰۰	سطح معناداری	۰/۰۰۰

در شکل (۲)، نمودار مدل رگرسیونی آنومی اجتماعی همراه با ضرایب استاندارد شده نشان داده شده است.



شکل ۲- نمودار مدل رگرسیونی آنومی اجتماعی همراه با ضرایب استاندارد شده

بر اساس جدول ۶، از بین متغیرهای مستقل به ترتیب قانون گریزی ابزاری، سرمایه اقتصادی و قانون گریزی اخلاقی بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته داشته‌اند. بنابراین، می‌توان گفت این سه متغیر بیش از متغیرهای دیگر می‌توانند واریانس متغیر آنومی اجتماعی را تبیین نمایند.

بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های پژوهش، در دامنه ۱۲ تا ۴۱، میانگین احساس آنومی اجتماعی برای جامعه مورد مطالعه، ۲۳ بوده است، بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که میزان احساس آنومی اجتماعی در بین حاشیه‌نشینان متوسط به پایین است. این موضوع نشان‌دهنده این است که علی‌رغم وجود مشکلات و بسترهای مستعد برای ظهور و بروز انواع آسیب‌های اجتماعی در میان حاشیه‌نشینان، میزان آنومی اجتماعی پایین بوده؛ زیرا فاکتورهای مرتبط با آنومی توانسته‌اند نقش مؤثری در کنترل این معضل اجتماعی داشته باشند و از بروز احساس آنومی در

حد بحرانی در مناطق حاشیه‌نشین جلوگیری کنند. همچنانکه در فرضیه اول این پژوهش نیز مطرح شده و یافته‌های پژوهش نیز این موضوع را تأیید می‌کند، بین دینداری و آنومی اجتماعی رابطه معنی داری در سطح اطمینان ۹۹ درصد وجود دارد، لیکن این، رابطه معکوس و منفی بوده است؛ یعنی دو متغیر دینداری و آنومی اجتماعی کاملاً در جهت خلاف همدیگر عمل کرده، و با افزایش یکی، دیگری کاهش می‌یابد و بالعکس. نادری و همکاران (۱۳۹۰) نیز در پژوهش خود به نتیجه مشابهی دست یافته‌اند (نادری و همکاران، ۱۳۹۰). همچنین، نظریه دورکیم و وبر نیز این مطلب را تأیید می‌کنند. از نظر ماکس وبر، دین اساساً پاسخی به دشواری‌ها و بی‌عدالتی‌های زندگی است و می‌کوشد تا این ناکامی‌ها را توجیه کند و در نتیجه، انسان‌ها را به کنار آمدن با آنها قادر می‌سازد و در برابر این مشکلات به آنها اعتماد به نفس می‌بخشد. به نظر وبر، در جوامع ابتدایی میل به بقا و برخورداری در این جهان مادی، برانگیزاننده رفتار مذهبی

اقتصادی پیوند نزدیکی دارند. این علت‌یابی که مطابق تئوری مرتون مطرح می‌شود، وقتی فضای فرهنگی جامعه به گونه‌ای است که اهداف را یکسان، اما وسایل دستیابی به این اهداف را نابرابر توزیع می‌کند، این مسأله به شکاف بین اهداف و وسایل دستیابی و سپس به آنومی اجتماعی می‌انجامد. همچنین، بر اساس نتایج پژوهش، رابطه معنی‌داری بین متغیر سرمایه اقتصادی و آنومی اجتماعی دیده می‌شود. این مطلب به روشنی بیان‌کننده این نکته است که متناسب با افزایش سرمایه اقتصادی، میزان آنومی اجتماعی حاشیه‌نشینان نیز افزایش می‌یابد.

پیر بورديو ویژگی‌های طبقات اجتماعی را در خصوص تملک انواع سرمایه‌ها (سرمایه فرهنگی، سرمایه اقتصادی) مورد بررسی نظری و تجربی قرار می‌دهد. از نظر او، جایگاه کنشگران اجتماعی در فضای طبقات به حجم و ساخت سرمایه آنها بستگی دارد و سرمایه وسیله‌ای برای تشخیص و تمایز است. وی برای سرمایه فرهنگی و اقتصادی اهمیت زیادی قائل است. بر اساس نتایج تحقیق حاضر، رابطه معکوس بین سرمایه فرهنگی و آنومی اجتماعی برقرار است. و این بدین معناست که هراندازه سرمایه فرهنگی در جامعه بالا باشد، میزان آنومی اجتماعی پایین‌تر است و سرمایه فرهنگی پایین‌تر به میزان‌های بالای آنومی اجتماعی در میان حاشیه‌نشینان منجر خواهد شد، لیکن رابطه سرمایه اقتصادی و میزان آنومی اجتماعی مثبت و مستقیم بوده است. از این یافته چنین برداشت می‌شود که افراد ثروتمندتر و متمکن درجرات بالاتری از میزان آنومی اجتماعی را بروز می‌دهند.

بنابراین، بر اساس نتایج به دست آمده در این پژوهش می‌توان پیشنهادهایی در این حوزه به شرح ذیل ارائه کرد. با توجه به رابطه معکوس سرمایه فرهنگی و دینداری با آنومی اجتماعی، می‌توان با غنی‌سازی روحیه دینداری و ارتقای مؤلفه‌های مربوط به سرمایه فرهنگی، میزان آنومی اجتماعی را در مناطق حاشیه‌نشین کنترل و تعدیل کرد. از طرف دیگر، خانواده اساسی‌ترین نهاد اجتماعی است که در تولید و افزایش سرمایه فرهنگی و تقویت روحیه دینداری افراد نقش مهمی ایفا می‌کند و بافت اجتماعی به نوعی متأثر از تحولات خانوادگی است و هرگونه انحرافی در فضای خانواده‌ها، لزوماً

است. به باور وبر، ارتباط معکوس بین دینداری^۱ و آنومی اجتماعی در جامعه جدید هم می‌تواند معتبر باشد. بنابراین، رویکرد وبری در تبیین نقش دین در نظم اجتماعی، دلالت مهمی در مورد کارکرد دین در ارتباط با نظم اجتماعی دارد (سراجزاده، ۱۳۸۷: ۷۵). پس در مجموع، با توجه به بالا بودن میزان دینداری در میان حاشیه‌نشینان، و وجود رابطه معنی‌دار دینداری با آنومی اجتماعی می‌توان نتیجه گرفت که دینداری به عنوان عامل مهمی در جهت کاهش آنومی اجتماعی عمل کرده و به پایین بودن میزان آنومی اجتماعی در میان حاشیه‌نشینان منجر شده است.

در پژوهش حاضر، متغیر قانون‌گزینی ابزاری بیشترین رابطه معنی‌داری (۰/۴۳) را با میزان آنومی اجتماعی دارد. می‌توان گفت که ارتباط قوی آنومی اجتماعی با متغیر قانون‌گزینی ابزاری به مبانی نظری این دو مرتبط است. همچنانکه مفهوم آنومی در نظریه مرتون حاصل شرایط نابسامان ساختاری است؛ وضعیتی که در آن تناسبی بین آرمان‌ها و اهداف نهادی شده و وسایل نهادی شده جامعه (هنجارها) وجود ندارد. در نتیجه، این وضعیت ساختاری کنشگران را به سوی قانون‌گزینی سوق می‌دهد (رضایی، ۱۳۸۴). طبق نظریه مرتون، افراد در برخورد با وضعیت آنومی، پاسخ‌های انطباقی متفاوتی نشان می‌دهند که نوآوری و شورش بیش از همه با پدیده قانون‌گزینی همخوانی دارند. بر اساس نظریه جیمز کلمن، قانون‌گزینی نوعی جهت‌گیری نسبت به هنجارهای قانونی بوده، که بر اساس آن فرد پیروی نکردن از هنجارها را به پیروی از هنجارها ترجیح می‌دهد و این جهت‌گیری حاصل ترجیح کنشگری است که تحت شرایط خاص محیطی شکل می‌گیرد (همان، ۱۳۸۴). همچنین، قانون‌گزینی اخلاقی در بین پاسخگویان پایین بوده و پاسخگویان سطح پایینی از قانون‌گزینی را نشان می‌دهند، درحالی که تنها عده کمی در حدود ۱۰ درصد قانون‌گزینی اخلاقی بالا را نشان می‌دهند و این به معنای آن است که این عده قوانین را مهم نمی‌پندارند و حاضر هستند به خاطر دوستان و خانواده از آن چشم‌پوشی کنند.

از طرف دیگر، علل و عوامل آنومی اجتماعی با بسترهای

^۱ Religiosity

در جامعه نمود می‌یابد، لذا، آموزش خانواده‌ها در کاهش میزان آنومی اجتماعی مؤثر خواهد شد.

منابع

- احمدی، طیب. (۱۳۸۶). *مدیریت بدن و هویت اجتماعی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رشت
- باقری زوز، بهارک و علمی، محمود. (۱۳۸۹). «رابطه جنسیت و برخی متغیرهای جمعیت‌شناختی با احساس آنومی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز»، *زن و مطالعات خانواده*، سال دوم، ش ۸، صص ۵۵ - ۶۷.
- حاتم، ناهید؛ کشتکاران، ویدا و نیئی، پریسا. (۱۳۹۱). «رابطه بین سرمایه اجتماعی و احساس آنومی در زنان شاغل در بیمارستان»، *مجله پژوهشی حکیم*، دوره پانزدهم، شماره سوم، صص ۲۵۸ - ۲۶۷.
- ربانی، رسول. و عریضی، فروغ‌السادات. وارثی، حمیدرضا. حسینی، محمدرضا. (۱۳۸۵). «بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری مسأله حاشیه‌نشینی و پیامدهای اجتماعی آن در شهر اهواز»، *جغرافیا و توسعه*، ش ۴، (پیاپی ۷) صص ۸۹-۱۱۴.
- رضایی، محمد. (۱۳۸۴). «میزان و نوع عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، سال ششم، ش ۳، صص ۴۷-۶۹.
- رفیع‌پور، فرامرز. (۱۳۷۸). *آنومی یا آشفتگی اجتماعی*، تهران: سروش
- سراج‌زاده، سیدحسین. و پویافر، محمدرضا. (۱۳۸۷). «دین و نظم اجتماعی: بررسی رابطه دینداری با احساس آنومی و کجروی در میان نمونه‌ای از دانشجویان»، *مسائل اجتماعی ایران*، سال ۱۶، ش ۶۳، صص ۷۱-۱۰۵.
- شیانی، ملیحه و محمدی، محمدعلی. (۱۳۸۶). «تحلیل جامعه‌شناختی احساس آنومی اقتصادی در میان جوانان»، *رفاه اجتماعی*، ش ۲۵، صص ۱۱-۳۷.
- صدیق سروسستانی، رحمت‌الله. (۱۳۸۷). *آسیب اجتماعی*، تهران: سمت
- فعلی، جواد و ذوالفقاری، ابوالفضل. (۱۳۸۸). «تأثیر سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی بر میزان اعتماد آنها به پلیس»، *فصلنامه انتظام اجتماعی*، سال اول، شماره سوم، صص ۱۴۱-۱۶۶.
- کلمن، جیمز. (۱۳۷۷). *بنیادهای نظری اجتماعی*، ترجمه: محسن صبوری، تهران: نی
- کوثری، مسعود. (۱۳۸۲). «آنومی اجتماعی و اعتیاد به مواد مخدر»، *فصلنامه اعتیادپژوهی*، سال دوم، ش ۵، صص ۱۳-۳۱.
- کوزر، لوئیس آلفرد. (۱۳۷۳). *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: علمی
- کوزر، لوئیس و برنارد روزنبرگ. (۱۳۷۸). *نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی*، ترجمه: فرهنگ ارشاد، تهران: نی
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نی
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی. (۱۳۹۱). «نقش محرومیت نسبی در افزایش خشونت‌های شهری مناطق حاشیه‌نشین مورد مطالعه: شهر کرمانشاه»، *مطالعات شهری*، سال دوم، شماره سوم، صص ۲۱-۶۴.
- محسنی، منوچهر. (۱۳۸۶). *بررسی گرایش به اطاعت از قانون در ایران در قانون‌گرایی و فرهنگ عمومی*، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ممتاز، فریده. (۱۳۸۵). *انحرافات اجتماعی*، چاپ دوم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- همیلتون، ملکم. (۱۳۷۷). *جامعه‌شناسی دین*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: علمی.
- نادری، حمداله؛ جاهد، محمدعلی؛ خدابخشی هفشجانی، نسرین. (۱۳۹۰). «سنجش چندبعدی احساس آنومی در بین جوانان»، *فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی*، ش ۲۵، صص ۱۷۹ - ۲۱۰.
- Abercrombie, Nicholas. Hill, Stephan & Turner, Bryan, S. (2006) *Dictionary of Sociology*, USA & UK, Penguin Books, Fifth Edition
- Borgetta, Edgar F. & Montgomery, Rhonda J. V. (2000) *Encyclopedia of Sociology*, Second Edition, New York, Macmillan Reference USA
- Heydari, Arash & Davoudi, Iran & Teymoori, Ali (2011) "Revising the Assessment of Feeling of Anomie: Presenting A Multidimensional Scale", *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 30, pp. 1086 - 1090.